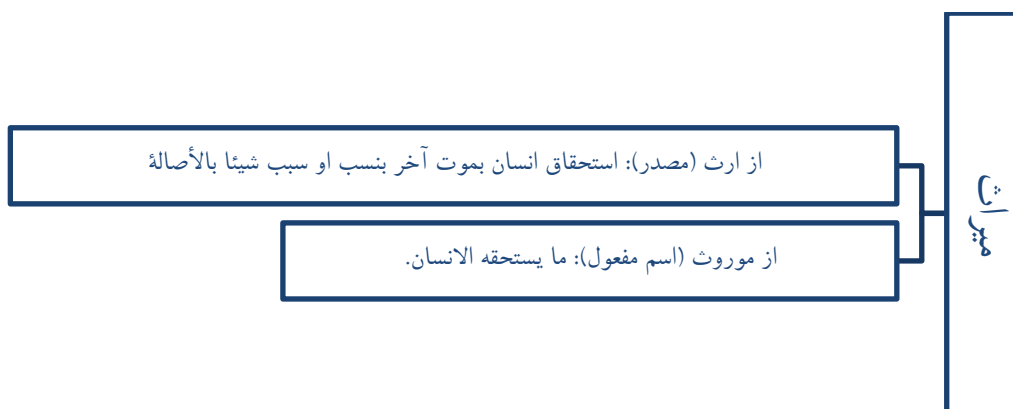


بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب الميراث

جلسه اول:



نکته: رابطه ميراث با فرائض

فرائض لفظی است که در دو معنا کاربرد دارد:

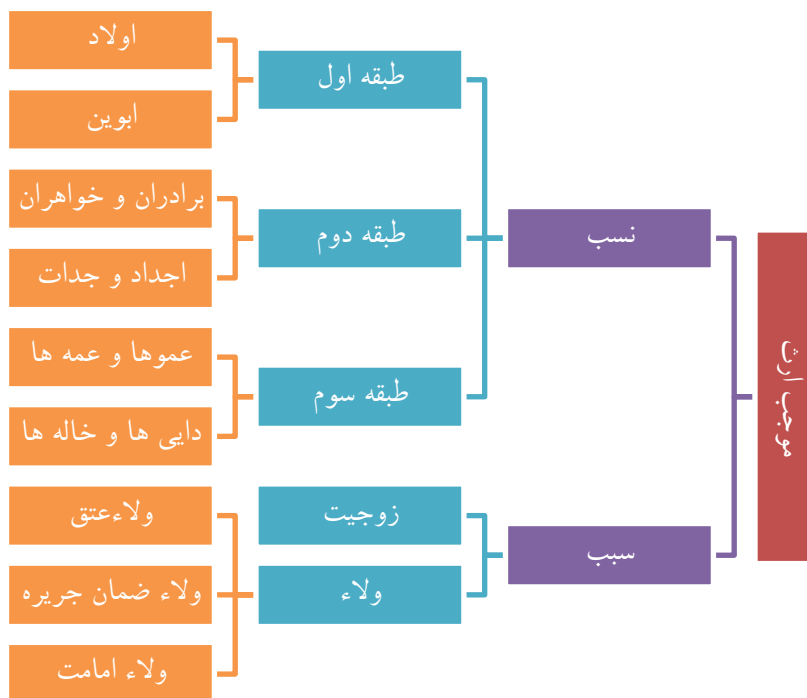
الف: سهامی از ارث که مشخص شده است را فرائض بگویند. (که ۶ تا هستند). در این صورت ميراث اعم از فرائض است.

ب: فرائض هم شامل ارث های تفصیل داده شده باشد، و هم ارث های مجملی که فرموده باشند (اولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض). در این صورت ميراث مساوی با فرائض است.

بهرتر است لفظ ميراث که دو کاربرد ندارد، استفاده شود تا فرائض که دو معنا را می شود از آن اراده

کرد.

اسباب ارث

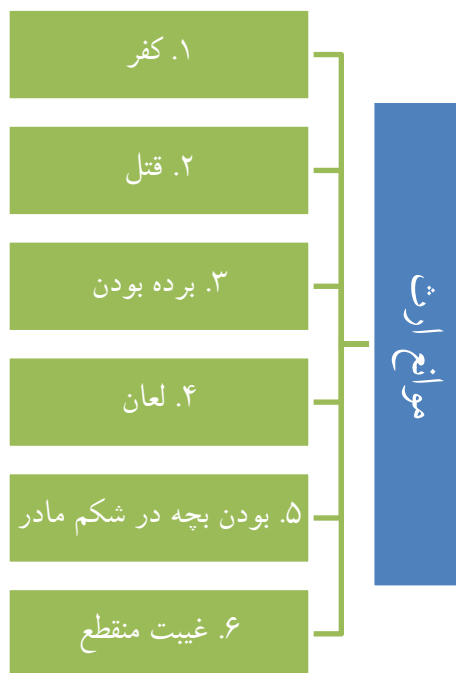


نکته: با وجود هر رتبه از مرتبه های ارث که مانعی از ارث بردن او نباشد، ارثی به مرتبه بعد نمی رسد.

نکته: زوج با هر رتبه ای ارث می برد. دائم بدون اختلاف و موقت در جائی که شرط ارث شده باشد که در مورد آن اختلاف است.

موانع ارث

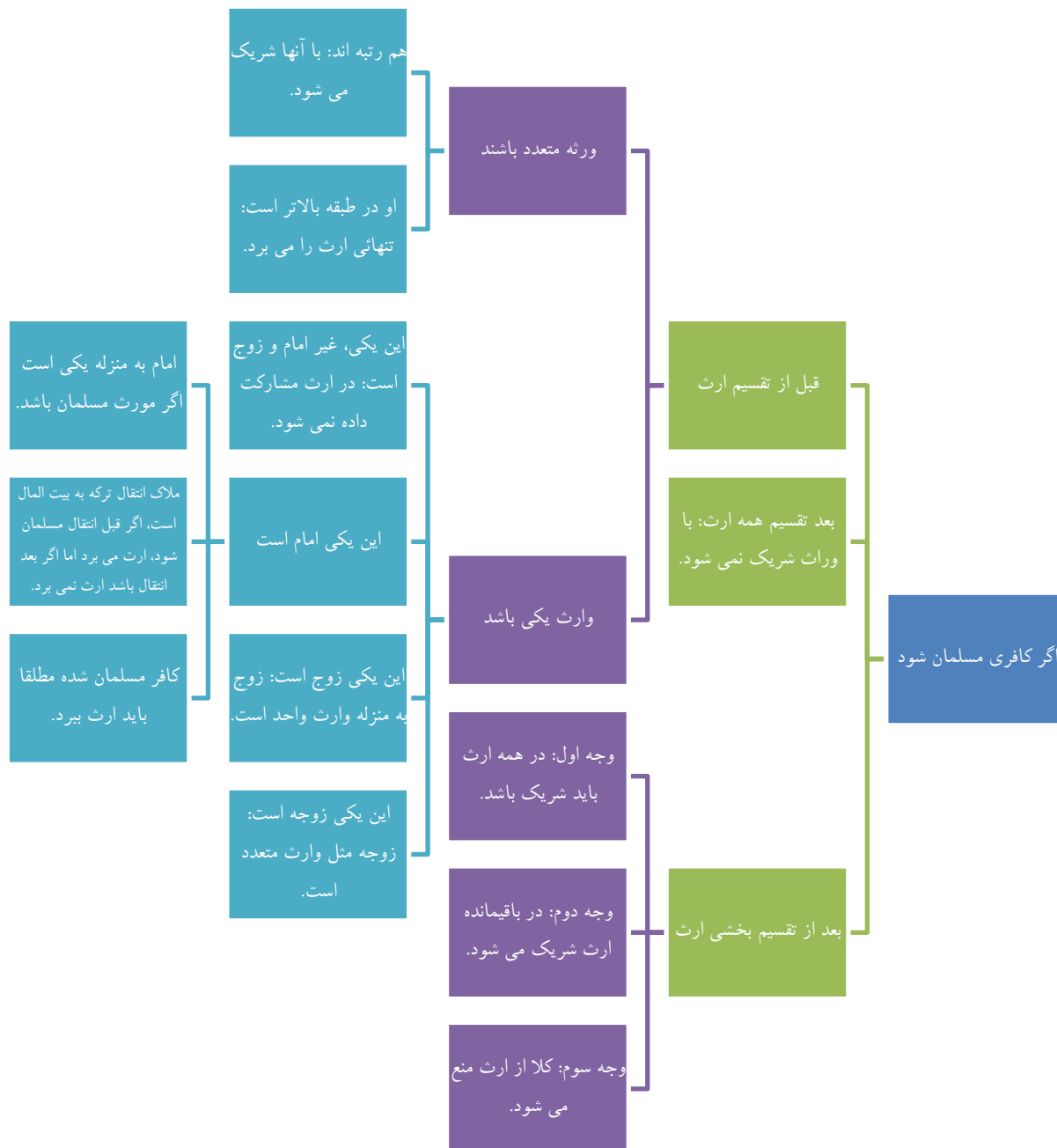
مصنف شش مورد را ذکر می کنند:



اولین مانع: کفر

کفر با همه اقسامش مانع ارث می شود.

کافر از مسلمان (هر فرقه ای باشد حتی غیر مؤمن) ارث نمی برد، و مسلمان (از هر فرقه ای باشد) از کافر ارث برده و مانع بقیه وراثت کافر می شود، هر چند نزدیک تر یا دورتر از او به مورث باشند. مثلاً او مسلمان پسر است و برادر میت کافر. یا برادر میت مسلمان باشد و پسرش کافر. به هر حال باید به مسلمان برسد. اگر مسلمان در ورثه اش نبود، به ترتیب به معتق، ضامن جریره و بعد به امام می رسد.



دومین مانع: قتل

اگر کسی، فردی را که با مردنش از او ارث می برد بکشد، این قتل مانع ارث بردن او می شود. البته به شرطی که این کشتن به ناحق باشد. نه اینکه مثلاً مأمور قانون اجرای قصاص و یا به امر الهی مثل جهاد و دفاع و ... بوده باشد.

تعریف سه نوع قتل

عمد: قصد قتل داشته است یا ابزار مورد استفاده، عادتاً کشنده بوده است. تنبیه با شمشیر تیز. حکم آن قصاص است.

شبه عمد: قصد قتل نداشته و ابزارش نیز غالباً کشنده نبوده، اما قتل اتفاق افتاد. مانند تنبیه با چوب. حکم آن دیه است و بر عهده قاتل است.

خطا محض: قاتل هیچ نیت یا قصدی نسبت به مقتول نداشته و قتل واقع شده است. مثل هدف گرفتن شکار و اصابت به مقتول. حکم آن دیه است و بر عهده عاقله است.

قتل

عمدی: مانع ارث است.

خطا

شبه عمد

مصنف: تنها از دیه منع می شود.

قیل: از دیه و غیر دیه منع می شود.

قیل: از دیه و غیر دیه ارث می برد.

قیل: ملحق به عمد

قیل: ملحق به خطا

نکته: تفاوتی بین صغیر و مجنون و یا مباشر و مسبب نیست.

نکته: همه وارثان نسبی و سببی می توانند از دیه ارث ببرند و برای گروه خاصی منع نشده است، جز در نزدیکان مادری که اختلاف است.

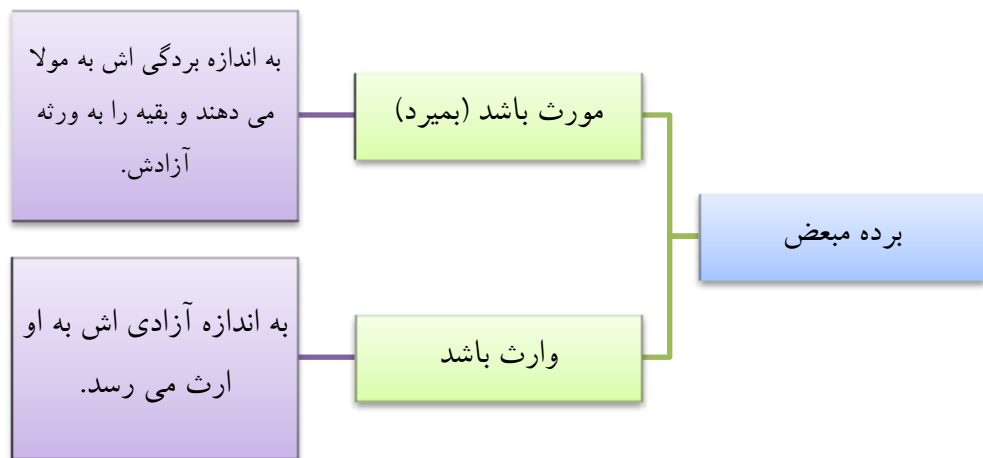
نکته: زوج و زوجه از دیه ارث می برند، هر چند قصاص برای آنها به ارث نمی رسد. اما اگر اولیاء دم در جائی که قصاص باید باشد، بر دیه مصالحه کردند، در آن دیه وارث هستند.

سومین مانع: (قیت (برده بودن)



نتیجه: پس وقتی کسی می میرد، اگر آزاد باشد ارثش تنها به خویشاوندان آزادش می رسد. اگر پسرش برده باشد، ارث را به او نمی دهند و به نوه آزادش می دهند.

برده مبعوض، به مقداری که آزاد شده ارث می برد و به مقداری که برده است از ارث محروم می ماند. پس اگر پدری بمیرد و فرزند برده مبعوض باشد، تنها به اندازه آزادی اش به او ارث می رسد و مابقی ارث به خویشان دیگر یا طبقات دیگر می رسد.



نکته: اگر برده ای قبل از تقسیم ارث آزاد شود، احکامش مانند کافری است که قبل از تقسیم ارث، مسلمان شود.

اگر میت، جز برده وارثی نداشته باشد، او را از ترکه میت می خردند و آزاد می کنند تا ارث ببرد. این مسأله در مورد پدر و مادری که برده هستند اتفاقی است، اما در مورد دیگران (فرزندان و سایر خویشاوندان) جای بحث دارد.

یا اینکه اموال به جا مانده وافی به آزاد کردن برده باشد یا نه؟ یا اینکه ورثه ای که برده اند متعدد باشند و مال برای آزاد کردن همه وافی نباشد، چه کنیم؟

متولی این کار، اولاً حاکم شرع و سپس مؤمنین هستند.

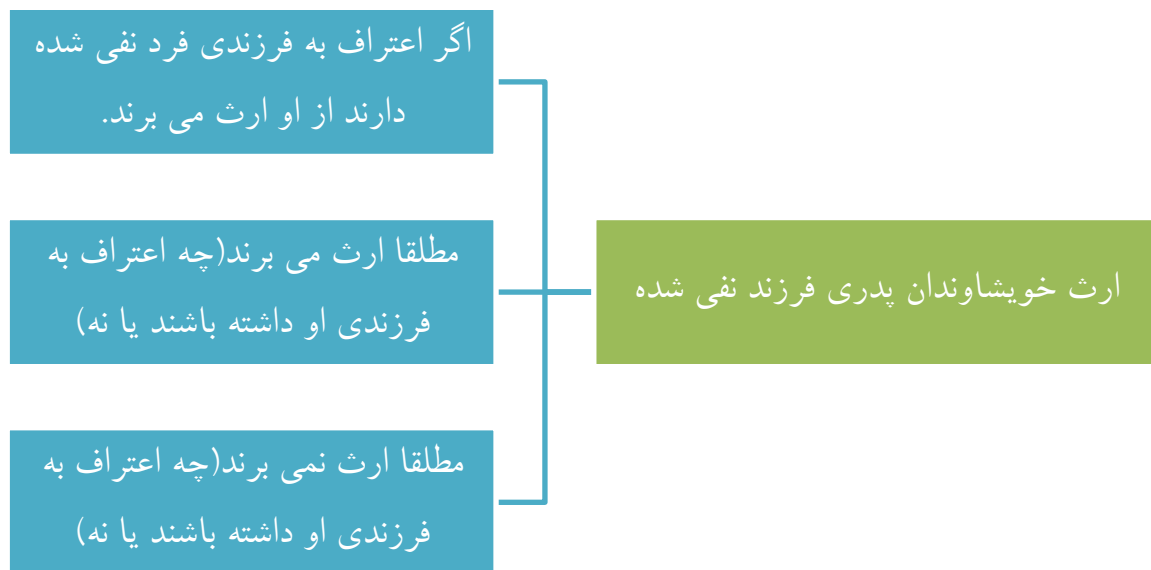
چهارمین مانع: لعان

وقتی مردی به زنش نسبت زنا بدهد و شهادی اقامه نکند و به «لعان» کشیده شود، دو مانع برای ارث بوجود می آید:

A. این زن و شوهر از هم ارث نمی برند.

B. پدر و فرزندی که با لعان از هم نفی شده اند، از هم ارث نمی برند.

نکته: اگر پدر نفی خود را تکذیب کند، او دیگر از فرزندش ارث نمی برد اما فرزند از او ارث خواهد برد.



نکته: اگر فرزند نفی شده، خویشاوندانی از طرفین ابوی و نیز خویشاوندانی از طرف مادر داشته باشد، مثلا یک برادر ابویی و یک برادر امی، ترکه بین آنها به طور مساوی تقسیم می شود. زیرا نسب پدر قطع شده است و خویشاوندان ابویی در حکم خویشاوندان امی هستند.

پنجمین مانع: بودن بچه در شکم مادر

اگر زنی باردار باشد، بچه ای که در شکم اوست مانع ارث است. یعنی با وجود چنین حملی، این حمل هم نسبت سهم خودش ممنوعیت دارد که به او ارث نمی رسد تا زنده به دنیا بیاید و هم ممکن است سهم ارث برخی از وارثان مبهم باشد تا اینکه سرنوشت این نوزاد مشخص شود که زنده به دنیا می آید یا مرده.

مثلا اگر این نوزاد تنها فرزند میت باشد و میت برادرانی داشته باشد، باید صبر کرد که اگر نوزاد زنده به دنیا آمد هیچ ارثی به آنها نمی رسد و اگر مرد، آنها ارث را می برند.

البته سهم افرادی مثل پدر و مادر که یک ششم است به آنها داده می شود. چون وجود یا عدم فرزند، اثری در سهم آنها از ارث ندارد.

نکته: شرط لازم و کافی در ارث بردن نوزادی که در شکم مادرش است، این است که زنده به دنیا بیاید، هر چند در زمان مرگ خویشاوند (مورث) هیچ حیاتی نداشته و فقط نطفه باشد و یا هر چند زمان تولد صدائی نکند، بدنش را حرکت ندهد و ... و یا بعد تولد زود بمیرد.

نکته: راه پی بردن به اینکه جنین هنگام مرگ خویشاوند (مورث) وجود داشته است و نطفه اش منعقد بوده است، آن است که بچه پیش از گذشت شش ماه یا اگر مادرش بعد مرگ شوهر با کسی نزدیکی نداشته است، قبل از طولانی ترین مدت حمل متولد شود.

اما اگر این مادر بعد از مرگ شوهرش، هر چند به شبهه وطی شده باشد، ارثی به فرزندی که بعد شش ماه متولد شود نمی رسد، چون احتمال دارد که نطفه بعد مرگ مورث منعقد شده باشد. (به ضمیمه اصالت عدم تقدم نطفه بر مرگ مورث).

ششمین مانع: غیبت منقطع